

اسکن شد

تاریخ:

ایران:

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه حقوق خصوصی و اسلامی

## نسبت ثبوت و اثبات در علم حقوق

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محسن ایزانلو

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر مجید غمامی

استاد داور:

جناب آقای دکتر حسن جعفری تبار

۱۳۸۸/۹/۱۸

نگارش:

عباس میرشکاری

مجوز وزارت علوم و تحقیقات  
تسهیل

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

شهریور ۱۳۸۸

تقديم به:

مادر م



جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پرونده \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی


باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب <sup>ع/ع</sup> عباس میربیدار متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو عباس <sup>ع/ع</sup> صدرسلاری

امضاء



آدرس: خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی: ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس: ۶۴۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی حقوق خصوصی و اسلامی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: عباس میرشکاری

گرایش:

در رشته : حقوق خصوصی

با عنوان : نسبت ثبوت و اثبات در علم حقوق

را در تاریخ : ۱۳۸۸/۶/۲۳

به عدد	به حروف
۱۸۱۵	هجیره و نهم

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود.

با درجه

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر محسن ایزانلو	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر مجید غمامی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر حسن جعفری تبار	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر مجید غمامی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	



تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران و دانشکده حقوق و علوم سیاسی صفحه پایانی نامه درج می گردد.

### چکیده:

بررسی نهادهای حقوقی در دو مرحله ثبوت و اثبات یکی از روشهای متداول در تحلیل حقوقی می باشد. ثبوت، عالم واقع است و ماهیت آن اعم است از حکم یا موضوع و اثبات، تلاش برای علم یافتن به ثبوت است. در این نوشتار خواهیم دید که ثبوت وجودی مستقل از اثبات دارد و هدف حقوق نیز دستیابی به همین وجود مستقل است. اما در این میان اثبات به عنوان دریچه ای برای رهیابی به ثبوت نقش آفرین می شود.

در این نوشتار همچنین خواهیم دید که زمانی که در صدد اثبات یک نهاد هستیم، بر اساس میزان دلالت دلیل بر ثبوت (قطعی، ظنی و اجمالی) از جهت علم به آن نهاد، یا علم یا ظن و یا شک برای ما حاصل خواهد شد. آثار هر یک از سه حالت فوق متفاوت و قابل بررسی است.

در پایان با تحلیل جایگاه اثبات در دستیابی به ثبوت خواهیم دید که گاه با حصر ادله احراز یک ثبوت، تفکیک میان ثبوت و اثبات دشوار گردیده و محقق را در تحلیل دچار تردید می کند.

### واژگان کلیدی:

ثبوت، اثبات، دلیل، علم، ظن، شک

فهرست:

.....	مقدمه :	۱
.....	فصل اول : معرفی ثبوت و اثبات	۲
.....	گفتار اول : تقسیم بندی معمول علم حقوق	۲
.....	مبحث اول : ثبوت	۳
.....	مبحث دوم : اثبات	۳۲
.....	گفتار دوم : تقسیم بندی پیشنهادی	۴۰
.....	مبحث اول : تثبیت	۴۱
.....	مبحث دوم : ثبوت	۴۲
.....	مبحث سوم : ثبت	۴۲
.....	مبحث چهارم : اثبات	۴۷
.....	پی نوشتهای فصل اول:	۴۹
.....	فصل دوم: تجلی ثبوت و اثبات از جهت ادله	۵۹
.....	گفتار اول: تجلی ثبوت و اثبات از جهت کاشفیت ادله	۶۰
.....	مبحث اول: علم	۶۷
.....	مبحث دوم: ظن	۸۸
.....	مبحث سوم: شک	۹۳
.....	گفتار دوم : تجلی ثبوت و اثبات از جهت حصر ادله	۹۶
.....	مبحث اول : استقراء در متون حقوقی	۹۸
.....	مبحث دوم: برآیند	۱۱۸
.....	پی نوشتهای فصل دوم:	۱۲۱
.....	نتایج:	۱۲۹
.....	پیشنهادها:	۱۳۴
.....	فهرست تفصیلی:	۱۳۶
.....	فهرست موضوعی:	۱۳۹

۱۴۲..... منابع فارسی :

۱۴۸..... منابع عربی :

۱۵۸..... منابع لاتین :



مقدمه :

## الف - طرح موضوع:

برای بررسی نهادهای حقوقی از جهت علم یا جهل افراد ، علم حقوق را به دو مرحله ثبوت و اثبات تقسیم می کنند. ثبوت جهان واقع است ؛ جهانی که صرف نظر از علم و جهل افراد وجود دارد و تاثیر گذار است و اثبات تلاش به منظور کسب علم نسبت به عالم ثبوت است.

در این تحقیق، نسبت ثبوت و اثبات در علم حقوق را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

## ب - پیشینه تحقیق:

نویسندگان حقوقی معمولاً در ابتدای کتب ادله اثبات دعوی خود بخشی را به بحث ثبوت و اثبات اختصاص داده و با تحلیل آن زمینه را برای تحقیق تفصیلی در مورد ادله اثبات دعوا فراهم می کنند. اما جدا از این دسته از کتب، تا آنجا که نگارنده مطلع است رساله ای با عنوان « ماهیت و مبانی اثبات حق » در سال ۱۳۸۱ توسط جناب آقای دکتر منوچهر متوسلی نگارش شده است. نگارنده با اقرار به فضل تقدم رساله فوق، جهات زیر را مبین تفاوت‌های میان آن رساله با این پایان نامه می داند :

۱. آنگونه که در چکیده رساله فوق آمده است بررسی موضوع از جنبه های معرفت شناسی ، کلام اسلامی و فلسفه حقوق مدنظر نگارنده رساله فوق بوده است؛ در حالی که در این پایان نامه موضوع از جهت حقوق ماهوی و شکلی و با تاکید عمده بر حوزه ادله بررسی خواهد شد.

۲. از نظر گاه فکری نیز میان عقاید نگارنده رساله فوق با اینجانب سازگاری وجود ندارد؛ چه در حالی که بر اساس عقیده آن نگارنده محترم ، قابلیت اثبات حق از ارکان وجودی حق است و اثبات در ثبوت دخالت دارد، نگارنده چنین ادعایی ندارد.

۳. تکیه عمده در رساله فوق بر حق است و نحوه اثبات آن ؛ در حالی که تاکید اینجانب عمدتاً بر ثبوت خواهد بود .

### ج- شیوه تحقیق:

در این تحقیق پس از جمع آوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه ای و آراء دادگاهها ، به تحلیل و تجزیه آنها پرداخته خواهد شد.

در این پایان نامه سعی شده :

۱. هر چند انکار نمی توان کرد که به علت طبع موضوع، صبغه نظری این پایان نامه بر صبغه عملی آن پیشی گرفته است، اما سعی شده در جهت کاربردی کردن موضوع و توجه به رویه دادگاهها، آراء مراجع قضایی مورد تحلیل قرار گیرد.
۲. تاکید عمده این پایان نامه بر بررسی موضوع در حقوق اسلام و حقوق ایران است اما تا آنجا که توان نگارنده اجازه می داد، از مباحث مطرح در حقوق غرب نیز استفاده شد.
۳. تلاش شده ضمن طرح و البته نقد نظریه ها و عقائد حقوقی مختلف راجع به موضوع تحقیق ، پیشنهادهای لازم نیز ارائه گردد. پیشنهادهایی که گاه در جهت تکمیل و تحلیل دقیقتر موضوع می باشد و گاه چهره ای نو و بدیع دارد.

### د- سوالات تحقیق:

۱. نسبت ثبوت و اثبات چیست؟
۲. آیا برای یک نهاد حقوقی که در عالم ثبوت بوجود آمده اما اثباتاً شناخته نشده ، می توان وجود حقوقی قائل شد یا خیر؟
۳. آیا مفهوم ثبوت در حقوق اسلام معادلهای مشابه دارد یا خیر؟
۴. نقش دلیل در تعیین نسبت ثبوت و اثبات چیست؟
۵. آثار دلیل ( مثبت و منفی) کدامند؟
۶. آیا کاشفیت دلیل جزو عناصر ذاتی دلیل محسوب می شود؟
۷. اگر در یک قانون مشخص یا قراردادی خاص ، امری که غالباً به عنوان ابزاری برای اثبات به کار می رود ذکر شود و به سایر طرق اثباتی اشاره ای نشود، آن طریقه مخصوص، تنها راه اثبات است یا اینکه امکان اثبات از سایر طرق نیز وجود دارد؟

## ه- طرح پایان نامه:

با توجه به اینکه موضوع تحقیق از جهت فلسفه و کلام، حقوق ماهوی و شکلی و اصول فقه قابل بررسی بود، لذا برای تحدید موضوع، تصمیم گرفته شد در دو گفتار به واکاوی ثبوت و اثبات پرداخته شود. به این ترتیب این پایان نامه در دو فصل کلی طراحی شده است: فصل اول، به معرفی ثبوت و اثبات و فصل دوم، به تجلی ثبوت و اثبات از جهت ادله اختصاص پیدا خواهد کرد.

### ه-۱: فصل اول: معرفی ثبوت و اثبات

فصل اول خود به دو گفتار تقسیم خواهد شد:

از آنجا که معمولاً نهادهای حقوقی را در دو بعد ثبوت و اثبات مورد بررسی قرار می دهند، نگارنده با نامگذاری گفتار اول به تقسیم بندی معمول علم حقوق، این شیوه معمول تقسیم و تحلیل را مورد بررسی قرار می دهد. در مبحث اول این گفتار ثبوت را معرفی و با نهادهای مشابه مقایسه می کند. سپس به تردیدهایی که در مورد وجود حقوقی مستقل ثبوت مطرح است پرداخته و آنها را مورد بررسی قرار خواهد داد. در مبحث دوم به اثبات خواهیم پرداخت. ابتدا آن را شناخته و سپس بر اهمیت آن تاکید خواهیم کرد.

در گفتار دوم، نگارنده تقسیم بندی پیشنهادی خود را مطرح می کند. در این تقسیم بندی پیشنهادی یک فرایند حقوقی به چهار مرحله تقسیم و تحلیل خواهد شد. این چهار مرحله عبارت اند از: تثبیت، ثبوت، ثبت و اثبات.

### ه-۲: فصل دوم: تجلی ثبوت و اثبات از جهت ادله

دلیل وسیله ای برای اثبات ثبوت است. همین امر نقش کلیدی دلیل را در مشخص کردن نسبت ثبوت و اثبات مشخص می کند. از همین رو فصل دوم پایان نامه را به بررسی ثبوت و اثبات از جهت ادله اختصاص خواهیم داد. فصل دوم را به دو گفتار تقسیم خواهیم کرد. در فصل اول، ثبوت و اثبات را از جهت کاشفیت ادله و در فصل دوم، از جهت حصر ادله مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در پایان تحقیق، ابتدا یافته ها را به صورت خلاصه ذکر خواهیم کرد و سپس پیشنهادهای خود را  
ارائه خواهیم داد.

فصل اول

معرفی ثبوت و اثبات

## فصل اول : معرفی ثبوت و اثبات

### مقدمه : ملاک تقسیم بندی در علم حقوق

علم حقوق را بر اساس ملاکهای مختلفی تقسیم کرده اند: گاه بر اساس ارتباط آن با حکومت یا مردم به حقوق عمومی یا خصوصی تقسیم می کنند و گاه بر اساس حوزه اجرا به حقوق داخلی و حقوق بین المللی.<sup>۱</sup> اما آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم ، تقسیم بندی نهاد های موجود در علم حقوق از جهت علم یا جهل افراد می باشد: یعنی تقسیم علم حقوق به ثبوت و اثبات .

در این فصل ابتدا به این تقسیم بندی معمول می پردازیم (گفتار اول) و سپس تقسیم بندی پیشنهادی خود را ارائه می دهیم. (گفتار دوم)

### گفتار اول : تقسیم بندی معمول علم حقوق

با توجه به رسم معمول ، در این گفتار علم حقوق را در دو مرحله ثبوت و اثبات بررسی می کنیم.

---

<sup>۱</sup> کاتوزیان، دکتر ناصر، مقدمه علم حقوق ، انتشار ، ج ۳۲ ، ۱۳۸۱ ، ص ۸۱ به بعد ؛ جعفری لنگرودی ، دکتر محمد جعفری، تاریخ حقوق ایران ، معرفت ، بی تا ، ص ۶.

مبحث اول : ثبوت

در این مبحث ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی ثبوت پرداخته و آنرا با مفاهیم مشابه مقایسه می کنیم ؛ سپس با توجه به تردیدی که گاه در مورد وجود حقوقی ثبوت مطرح می شود به بررسی این امر می پردازیم که آیا ثبوت واجد هویتی مستقل از اثبات می باشد یا خیر؟

بند اول : تعریف و مفاهیم مشابه

الف : تعریف لغوی و اصطلاحی

الف - ۱: تعریف لغوی

در لغت ثبوت به معنای « ایستادن ، برجای ماندن ، پایداری ، استوار شدن و مداومت » آمده است.<sup>۲</sup>

## الف - ۲: تعریف اصطلاحی

در این قسمت به تعاریف ارائه شده از حقوقدانان می پردازیم. با ذکر این نکته که حقوقدانان عموماً ثبوت و اثبات را به دنبال هم مطرح می کنند؛ به گونه ای که بین تعریف این دو ارتباطی معنوی ایجاد شده است؛ لذا نقل جداگانه تعاریف در دو قسمت جداگانه ( با توجه به لطمه دیدن آن ارتباط معنوی ) به تعاریف لطمه می زد ؛ به همین دلیل ناگزیر با آن که عنوان بند اول تعریف ثبوت است به نقل و نقد تعاریف اثبات هم می پردازیم .

در تعریفی از ثبوت و اثبات آمده است :

« حق دارای دو مرحله است : مرحله ثبوت و آن وجود واقعی حق است و مرحله اثبات و آن نمایاندن وجود آن در مرحله دادرسی می باشد»<sup>۳</sup>

سه نکته در این تعریف قابل ذکر است :

اول آن که تعریف ثبوت محدود به ( وجود واقعی حق ) شده است ؛ در حالی که ثبوت هر نهاد حقوقی را اعم از حکم یا موضوع و اعم از حق و غیر آن را در بر می گیرد.

دوم آن که اثبات تنها محدود به مرحله دادرسی شده است ؛ در حالی که اگر بپذیریم اثبات به معنای تلاش برای علم یافتن نسبت به واقع است ، تحدید ایجاد علم به مرحله دادرسی نیاز به دلیل دارد.

سوم آنکه لزوماً وجود یک نهاد حقوقی نیست که باید اثبات شود ، بلکه علی رغم مشکلاتی که بر اثبات عدم بیان شده است،<sup>۴</sup> گاهی فرد ملزم می شود که عدم شیءی را اثبات نماید نه وجود آن را.<sup>۵</sup> بنابراین بر تعریف فوق که ظاهر آن متعلق اثبات را تنها محدود به وجود می نماید این نکته وارد است.

<sup>۲</sup> سیاح ، عبدالحمید ، فرهنگ جامع ، نشر اسلام ، ۱۳۷۸ ، ص ۲۶۹؛ قاموس قرآن ، ج ۱ ، ص ۳۰۳.

<sup>۳</sup> امامی ، دکتر سید حسن ، حقوق مدنی ، ج ۶ ، انتشارات ابوریحان ، ج ۶ ، بهار ۱۳۶۴ ، ص ۶.

<sup>۴</sup> کاتوزیان ، دکتر ناصر ، اثبات و دلیل اثبات ، ج ۱ ، میزان ، ج ۱ ، زمستان ۱۳۸۰ ، ص ۲۹.



در تعریفی دیگر گفته شده است که :

ثبوت در اصطلاح اشاره است به وجود هر چیز در واقع و نفس الامر صرفنظر از علم و جهل انسان<sup>۶</sup> و مرحله علم به چیزی را مرحله اثبات آن چیز می‌نامند.<sup>۷</sup>

انحصار اثبات به علم ، منطقی نیست ؛ چه حاصل اثبات ممکن است ظن یا شک نیز باشد . بنابراین تلاش برای علم یافتن تعریفی مناسبتر برای اثبات است؛ حال حاصل این تلاش ممکن است علم یا ظن باشد و یا جهل و شک.

و نیز تعریفی دیگر:

« در مرحله ثبوت چنین فرض می شود که ارکان تحقق نهادی فراهم آمده است و در وقوع رویداد موضوع کاوش تردید نیست ... در مرحله اثبات هدف اندیشه راه یافتن به واقع و شناخت حق از راه توسل به رویدادی است که آثار حقوقی مطلوب را دارد خواه رویداد موضوع تردید حکم باشد یا واقعه ای مادی».<sup>۸</sup>

و در تعریفی دیگر :

---

<sup>۶</sup> در تعریف نویسندگان حقوق کامن لا از اثبات نیز متعلق اثبات اعم از وجود و عدم وجود دانسته شده است:

Twining, William, Rethinking Evidence Exploratory Essays, cambridge university press, Second Edition, 2006, p. 193.

<sup>۷</sup> جعفری لنگرودی ، دکتر محمدجعفر ، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ج ۱۶، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷؛ ایشان تعریف دیگری نیز از مفاهیم فوق ارائه داده اند به این شکل که ثبوت حالت وجود اشیاء برای خود است و اثبات حالت وجود شی برای ما. برای بررسی بیشتر: ر.ک.به: دانشنامه حقوقی، ج ۲، ص ۸۰۶.

<sup>۸</sup> همان، ص ۵.

<sup>۹</sup> کاتوزیان ، دکتر ناصر، اثبات و دلیل اثبات ، ج ۱، ص ۱۳؛ همان نویسنده ، نظریه عمومی تعهدات، دادگستر ، ج ۱، بهار

۱۳۷۹، صص ۵۵۸ و ۵۵۷.

« منظور از مقام ثبوت ، واقع و نفس الامر و عینیت خارجی است در حالی که مقام اثبات مرحله اقامه بینه و به ثبوت رساندن ادعا است.»<sup>9</sup>

علاوه بر اینکه عبارت « به ثبوت رساندن » اصطلاح درستی به نظر نمی رسد ؛ عبارت عینیت خارجی هم با توجه به تقابل آن با امور اعتباری ، تخصیص ثبوت به عالم مادی است: در حالی که به نظر می رسد ثبوت هم عالم اعتبار و هم عالم واقع را در بر می گیرد.

به نظر نگارنده با توجه به تعاریف فوق ، می توان ویژگی های زیر را برای ثبوت بیان کرد:

- ماهیت ثبوت اعم است از این که حکم باشد یا موضوع ؛ قانونی که مقنن انشاء می نماید یا موضوعی ( عمل یا واقعه حقوقی ) که در جهان خارج واقع می شود ثبوت نامیده می شود.

- ثبوت عالم واقع است اما واقع در اینجا به معنی جهان طبیعت نیست؛ بلکه امور اعتباری<sup>10</sup> و بلکه انتزاعی را نیز در بر می گیرد.

- ثبوت در جهان خارج از ذهن ما قرار دارد: یعنی حیات ثبوت بسته به علم یا جهل ما نمی باشد؛ به این ترتیب، ثبوت حتی اگر به آن علم پیدا نکنیم هم وجود دارد.<sup>11</sup>

- ثبوت مقدم بر اثبات است. به این دلیل ساده که ابتدا باید امری واقع شود تا سپس دنبال علم به وقوع آن باشیم.

- اثبات را نباید جزئی از ثبوت برشمرد. ثبوت مرحله ای در عالم خارج است و اثبات مرحله ای در وجود یک فرد که به دنبال راه یافتن به مرحله ثبوت است. پس این دو مرحله جدا از هم هستند،

<sup>9</sup> محقق داماد ، دکتر سید مصطفی، قواعد فقه ، اندیشه های نو در علوم اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۵۰.

<sup>10</sup> برای تعریف امور اعتباری: مظفر، علامه محمد رضا، اصول فقه ، ج ۲، دارالفکر، ج ۴، ۱۳۸۵، ص ۹۱؛ طباطبایی ، محمد حسین ، اصول فلسفه و روش ریالیسم ، صدرا ، ۱۳۵۸، ص ۵۲؛ شهیدی ، دکتر مهدی ، تشکیل قراردادهای و تعهدات، مجد، ج ۴، ۱۳۸۴، ص ۳.

<sup>11</sup> Glucksberg ,Sam, The Discovery of Truth in Context, Brooklyn Law Review, 2008, Vol. 73:3, p.1104.

راست است که هدف از اثبات، راهیابی به ثبوت است اما این به معنای دخول اثبات در ثبوت نخواهد بود.<sup>۱</sup>

ب : مفاهیم مشابه

ب-۱: عند الله

در فقه جدا از اصطلاح ثبوت<sup>۲</sup>، اصطلاحات دیگری می توان یافت که به نظر می رسد معادل ثبوت باشند. از جمله این اصطلاحات عبارت « عند الله » است . برای مثال علامه حلی در مبادی الوصول در مبحث واجب تخیری عقیده ای را نقل و سپس نقد می کند به این مضمون که در واجب تخیری هم

به مانند واجب عینی تنها یک واجب وجود دارد و این واجب عند الله معین است و تنها برای ما مکلفین غیر معین است.<sup>۱۲</sup> به عبارت دیگر ثبوتاً یک واجب وجود دارد اما برای ما علم به آن وجود ندارد.

در یکی دیگر از کتب فقهی به تشابه عندالله با ثبوت بهتر می توان پی برد:

« هنگامی که دیگری را در حال زنا با همسر خود بباید محق به قتل هر دوی آنها است یعنی عندالله قتل هر دوی آنها برای او جایز است لکن در صورت عدم قدرت وی بر اثبات آن شرعاً و ظاهراً قصاص وی توسط ولی مقتول جایز خواهد بود.»<sup>۱۳</sup>

چنانکه ملاحظه می شود محقق حلی جواز قتل را در مورد فوق ، ثبوتاً پذیرفته است و به تعبیر خودش عندالله قتل هر دو جایز است صرف نظر از اینکه بتواند مشروع بودن قتل را اثبات کند یا خیر . اما اگر نتواند اثبات کند ، شرعاً و ظاهراً قصاص مرد جایز خواهد بود.<sup>۱۴</sup>

#### ب-۲: حکم واقعی

از این جهت که حیات ثبوت به علم یا جهل افراد وابسته نمی باشد ؛ تعریف ثبوت به تعریف اصطلاح « حکم واقعی » نزدیک به نظر می رسد ؛ چه « حکم واقعی عبارت است از حکم شرع در هر

<sup>۱۲</sup> حلی ، علامه، مبادی الوصول، مکتب اعلام اسلامی، ج ۳، رمضان ۱۴۰۴ ؛ ابن شهید ثانی، معالم الدین وملاد المجتهدین، موسسه نشر اسلامی، بی تا، ص ۷۲.

<sup>۱۳</sup> حلی،محقق، شرایع الإسلام ، انتشارات استقلال ،ج۲،۱۴۰۹، ص ۹۴۰: « إذا وجد مع زوجته رجلاً یزنی ، فله قتلها : یعنی : عند الله تعالى یجوز له قتلها ، ولكن مع عدم قدرته علی إثبات ذلك شرعاً وظاهراً ( علیه القود ) أی : القصاص ( الولی ) ولی المقتول.»

<sup>۱۴</sup> البته نگارنده در تطابق همیشگی عبارت مورد بحث با واژه ثبوت تردید دارد ؛ برای دیدن مصداقی از این عدم تطابق به عبارات زیر توجه کنید: « کل من سرق من مسلم شیئاً قد حواه وأحرزه فهو یقع علیه اسم السارق وهو عند الله السارق ، ولكن لا یقطع إلا فی ربع دینار أو أكثر ». رک.به: حلی ، علامه، مختلف الشیعه، ج ۹، موسسه نشر اسلامی ،ج ۱، ۱۴۱۹، ص ۲۱۴.